



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

چشم اندازی بر تفسیر

اطیب البیان

پدید آورنده :

ایوب ہاشمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشم اندازی بر تفسیر اطبیب البیان

نویسنده:

ایوب هاشمی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	چشم اندازی بر تفسیر اطیب البیان
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	۱. انگیزه مؤلف
۸	۲. مباحث علوم قرآنی
۸	اشاره
۸	گفتار اول
۸	گفتار دوم
۹	گفتار سوم
۹	گفتار چهارم
۹	گفتار پنجم
۹	گفتار ششم
۹	گفتار هفتم
۹	گفتار هشتم
۹	گفتار دهم
۹	۳. نشر تفسیر
۱۰	۴. ترجمه قرآن
۱۰	۵. مراعات جهات لفظی و اجتناب از تطبیق
۱۱	۶. برخورد با مفسران
۱۱	۷. تفسیر قرآن به قرآن
۱۲	۸. احکام شرعی
۱۲	۹. اختلاف قرائات

۱۰. مباحث کلامی ۱۳
۱۱. لغت و اشتقاق ۱۳
- اشاره ۱۳
- برخی از موارد لغت و اشتقاق ۱۴
۱. ایمان ۱۴
۲. شیطان یا مأخوذ ۱۴
۳. (فلا اقسام) بعضی گفتند ۱۴
۴. کلمه احمد افضل التفضیل است و دو معنی کرده‌اند ۱۴
۵. الف و لام حسنه (من جاء بالحسنه) ۱۴
۱۲. قصص ۱۴
۱۳. حکایات و تمثیلات ۱۴
۱۴. رجال ۱۴
۱۵. مسایل اخلاقی ۱۵
۱۶. شعر ۱۵
۱۷. استدلال و احتجاج ۱۵
۱۸. جانبداری از شیعه ۱۵
۱۹. مباحث فلسفی ۱۶
۲۰. اخبار و روایات ۱۶
- درباره مرکز ۱۷

چشم اندازی بر تفسیر اطیب البیان

مشخصات کتاب

پدید آورنده: ایوب هاشمی

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مقدمه

یار می‌خواهد چنین آشفته‌گی***کوشش بیهوده به از خفتگی

توفیق رفیق آمد، روزی برای تعقیب مطلبی به سراغ تفسیر اطیب البیان رفتم، به ناگاه، موضوعی توجه مرا جلب کرد و با خواندن آن، مدتی در فکر فرو رفتم، این مطلب به مثابه کلیدی بود که کارخانه احساس مرا بکار انداخت، یک هیاهوی تسکین ناپذیر در وجودم ایجاد کرد، حفره‌ای در درونم به وجود آورد و التهاب زاید الوصفی در من ایجاد کرد. مطلب این بود:

«بشارت به کسانی که در این تفسیر، خدماتی می‌کنند و از او استفاداتی دارند. در شب جمعه گذشته، شب ۱۳ ذی الحجه، در عالم رویا خدمت حضرت بقیه الله مشرف شدم. سندی بر این تفسیر تقاضا کردم، کاغذی مرحمت فرمودند. عرض کردم امضاء خود شما را طالبم، حضرت نقطه‌ای در آن صفحه گذاشت که آن نقطه نور می‌دارد. امیدوارم منظور نظر آن حضرت باشد و وسیله سعادت شود.»

از آن به بعد خود را در مدار دورترین ستاره‌ها حس می‌کردم و از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدم. من سرگردان و حیران، گمشده خود را یافته، دریچه‌ای به سوی روشنایی باز کرده بودم. از این رو مترصد شدم که پایان نامه کارشناسی ارشد را به عطر کلام جاودانه وحی معطر و متبرک نمایم تا حسن مطلعی برای فعالیت‌های فرهنگی در آینده و حسن ختامی برای این مقطع تحصیلی باشد.

این بود که از بین موضوعات متعدد، به قرآن و تفسیری که مرضی حضرت بقیه الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفدا- است، رو آوردم. یقیناً تفضل الهی بود که شامل حال این حقیر شد و توفیق انس و مصاحبت با کلام الله مجید را یافتم، قرآنی که «تبیانا لكل شیء» است و هر چه را که در سعادت بشر نقش دارد مطرح کرده و متضمن بهروزی و موفقیت دنیوی و اخروی است. قرآن شفا دهنده آنچه در دلها و افکار است: «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین». مراجعه کننده به قرآن هرگز بدون بهبودی و درمان بر نمی‌گردد بلکه قرآن حقیقتاً او را درمان می‌کند.

قرآن استوارترین راه هدایت است. «ان هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم» بی‌نیازی است که پس از آن فقری نیست و بدون قرآن بی‌نیازی وجود ندارد.

قال رسول الله ۶: «القرآن غنی لا فقر بعده و لا غنی دونه». به راستی که نیکوترین سخن هاست که باید در آن اندیشه کرد و برآستی که بهار دلهاست. قال علی ۷: «و تعلموا القرآن فإنه أحسن الحدیث و تفقهوا فیہ فانه ربیع القلوب...».

۱. انگیزه مؤلف

مؤلف همان گونه که در مواردی متذکر شده است، طلیعه تفسیر خود را یک موهبت الهی و مرضی حضرت بقیه الله الاعظم قلمداد

می‌کند. در مقدمه جلد اول آمده است:

دیر زمانی در خاطر من خطور می‌نمود، کتابی در تفسیر قرآن بنگارم و روی این اندیشه، حوزه‌های تفسیری تشکیل داده و جزوه‌های متفرقی در این باره به رشته تحریر درآورده بودم و از طرفی قصور باع و قلت استعداد و اشتغالات درسی و عوائق و گرفتاری‌های دنیوی مرا از اقدام به این امر منع و بلکه مأیوس می‌نمود تا اینکه در شب سه شنبه پنجم جمادی الثانی سال ۱۳۸۰ ه. ق، مطابق با ۲۲ آبان ماه ۱۳۳۹ ش در محضر بعضی از علما، به مجلس سوگواری حضرت صدیقه طاهره ۳ موفق شده و در ضمن توسل، حالت وجدی در خود دیدم و از آنجا به منزل مراجعت نموده و در عالم رؤیا خدمت ثامن الحجج و حضرت ولی عصر ۴ مشرف شده و پس از مذاکراتی که بین آن دو بزرگوار راجع به زواری شد، حضرت بعد از عنایاتی و ترضیه خاطر من نسبت به حقیر و مروّجین دین مرا، امر به نوشتن تفسیری فرمود و وعده به من دادند. بعد از آنکه از خواب بیدار شدم، صدق رؤیای من ظاهر شده و وعده نصرت حضرتش تحقق یافته و من به نگارش و تألیف این کتاب، به یاری حضرت رب الارباب و حضرت حجت با تمام کوشش و اهتمام اقدام نمودم و ...

یک مورد هم در مقدمه ذکر کرده‌اند که در عالم رؤیا خدمت حضرت ولی عصر مشرف شده‌اند. در جای دیگر مؤلف می‌فرماید: نگارش تفسیر را تقریباً از سال ۱۳۴۱ به صورت مداوم شروع کردم، علت نگارش هم سفارش حضرت حجت - ارواحنا فداء - بود که در عالم رؤیا به حقیر داشتند و به بنده امر فرمودند که این تفسیر را بنگارم...

موارد مذکور و غیر مذکور همه و همه موید آن است که ارتباط مؤلف (و لو به صورت رؤیا) با سرچشمه و مجاری وحی قابلیت تابش نور الهی بر قلب را حاصل کرده چرا که، «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» و یا «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» در مواردی صریحاً اعلام می‌دارد که مطالب او الهام یافته از جانب حضرت حق جل و علاست، مثل: «اقول... الان بغتة الهام شد که آیات جهاد در مواردی بود که در نسل آنها مؤمنی پیدا نمی‌شد و...»

فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد. دیوان حافظ

و سؤال و پرسش مؤلف هم با حضرت سلیمان ۷ در عالم رؤیا که در جلد ۱۰، صفحه ۱۲۰ تفسیر آمده، شنیدنی است.

مؤلف درباره کسب توفیق الهی می‌فرماید:

«در کسب توفیق، باید از خدا عاجزانه کمک خواست. توفیق به سادگی به دست نمی‌آید. از لابلای کتابها هم چیزی در این زمینه عاید نمی‌شود. سالک قادر منان باید توجه و کمک کند، در جلب توجه او باید از وجود مقدس نبی اکرم ۶ و ائمه معصومین: کمک جست. با توسل به آنان و واسطه قرار دادن این بزرگان باید قابلیت پذیرش فیض الهی را در خود فراهم ساخت.»

۲. مباحث علوم قرآنی

اشاره

مفسر بزرگوار، در شروع تفسیر مباحثی در قالب ده گفتار درباره علوم قرآنی دارد:

گفتار اول

در بیان فضیلت قرآن و وجوب تمسک به آن.

گفتار دوم

در بیان عدم تحریف قرآن و توجیه اخبار تحریف.

گفتار سوم

در تفسیر قرآن و روش مفسرین و کتب تفسیری.

گفتار چهارم

در اختلاف قرائت قرآن و تحقیق کلام در سیاهی قرآن.

گفتار پنجم

در فضیلت قرائت قرآن و حفظ و تعلیم و تعلم آن.

گفتار ششم

در بیان اعجاز قرآن و وجوه اعجاز آن.

گفتار هفتم

در وجوب احترام قرآن و حرمت هتک آن.

گفتار هشتم

در بیان شفاعت و خصومت قرآن و بحث مختصری درباره شفاعت.

گفتار نهم

در بیان استعاده و حقیقت آن و بحثی درباره مستعید و مستعاذ به و مستعاذ منه.

البته پرداختن به این گونه مباحث سنت حسنه‌ای است که در بعضی از تفاسیر قدما و متأخرین هم به چشم می‌خورد.

۳. نثر تفسیر

نثر آن نسبتاً ساده و روان است که برای استفاده عموم مردم و اهل علم نوشته شده است.

تفاسیر فارسی در تاریخ تفسیر جایگاه بلندی داشته‌اند، در این زمینه تفاسیر مواهب علیه، منهج الصادقین، الدر التنظیم، تفسیر شریف لاهیجی و... یاد کردنی و ستودنی است.

از آنجا که مرحوم طیب، به هدایت عامه عنایت خاصی داشته، مترصد شده که تفسیری به زبان مادری و زبانی که مردم با آن مأنوس‌اند، بنویسد تا بهره نیکوتر و بازده بهتری داشته باشد. در میان مفسران معاصر نیز تفاسیر قابل توجهی به زبان فارسی نگاشته شده است از جمله: تفسیر اثنی عشری، تفسیر جامع، کنز العرفان در علوم قرآن، تفسیر عاملی، پرتوی از قرآن، نمونه و...

تفسیر اطیب البیان از لحاظ اینکه در استخدام واژگان، بعضاً از واژه‌های عربی استفاده می‌کند و ابتدا و انتهای همه سوره‌ها،

خطبه‌هایی به زبان عربی دارد تقریباً به یک تفسیر ملمع شبیه است، شبیه آنچه در تفسیر کیوان قزوینی، از عباس کیوان قزوینی - منصور علیشاه و تفسیر نفحات الرحمن از شیخ محمد نهایندی می‌بینیم.

ضمناً از اسم تفسیر گرفته که «اطیب البیان فی تفسیر القرآن» است، در جای تفسیر نیز از جملات عربی استفاده می‌کند، چنان که در آخر جلد شش آمده است: تمت بعون الله و توفیقه سوره یونس یتلوا هوذا انشاء الله تعالی، بحوله و قوته ید العبد الذلیل الحقیق السید عبد الحسین المدعو بطیب.

۴. ترجمه قرآن

ترجمه آیات در این تفسیر، صرف نظر از اشکالات خیلی جزئی، ترجمه‌ای عالمانه و محققانه و دقیق است، متأسفانه مرحوم آیت الله طیب، همه آیات را ترجمه نکرده‌اند و اگر همه آیات را ترجمه کرده بودند، می‌توانست خود ترجمه‌ای کامل بر قرآن باشد. درباره ترجمه قرآن باید اذعان کرد که آوردن کلماتی که با قرآن حکیم بتواند هماوری کند محال است زیرا تحدی قرآن هم به معنی است و هم به لفظ و بشر هرگز نمی‌تواند، مانند آن را بیاورد. ترجمه تنها کوششی است برای فهم معانی آیات، که موفقیت در آن به هر حال نسبی است و از آنجا که کلام بشر خالی از اشتباه و غفلت و سهو نیست، ترجمه‌های قرآن نیز خالی از اشکال نیست. در مجموع، ترجمه مؤلف بسیار دقیق و محققانه است و بسیاری از اشتباهات مترجمین قرآن در آن وجود ندارد. مفردات و عبارات استفاده شده تقریباً امروزی و سلیس و روان است هر چند استفاده نشانه مفعولی «مر» (که در قدیم مرسوم بوده) و مانند آن در این تفسیر دیده می‌شود.

همچنان که اشاره شد متأسفانه مفسر ارجمند، همه آیات را ترجمه نکرده‌اند، به عنوان مثال در سوره بقره، آیات ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳ تا ۲۶۶ و ۲۷۰ تا ۲۸۶ ترجمه نشده است.

و برخی نکات نیز رعایت نشده است از باب نمونه در آیه ۷۸ سوره بقره: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٌّ...» آمده است: و بعضی از اهل کتاب سواد خواندن و نوشتن را ندارند و از کتاب نمی‌دانند جز دروغها و بهم بافته‌های مزوران را. (امانی) را (دروغها و بهم بافته‌های مزوران) ترجمه کرده است، در صورتی که (امانی) جمع (امنیه) و به معنی آمال و آرزوهاست و مربوط به آمال و آرزوهای است که یهودیان داشتند مانند اینکه بهشت را مخصوص خود می‌دانند که همین آرزوها را مفسر در صفحه ۶۸ ذکر کرده است ولی در ترجمه رعایت ننموده است.

و یا آیه ۱۸۸ «... لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ...» چنین ترجمه شده است: «... برای اینکه قسمتی از اموال مردم را بخورید...» همان / ۳۴۴ که «بالاثم» از ترجمه ساقط شده است.

و همچنین برخی موارد دیگر که یاد کرد همه آنها از حوصله این مقال بیرون است و یافتن غفلتها و اشتباهات و سهو القلم‌ها در ترجمه عالم و دانشمند بزرگواری چون آیت الله طیب، به راستی امری دشوار است و اگر تکلیف نبود و در ترجمه آیات راه بر مسامحه بسته نبود، لب فرو می‌بستیم و در این مورد هیچ اشاره نمی‌کردیم اما بر همگان است که درباره قرآن و رساندن معنا و مفهوم واقعی آن از هیچ تلاشی فرو گذار نکنند.

۵. مراعات جهات لفظی و اجتناب از تطبیق

از خصوصیات بارز این تفسیر مقید بودن مؤلف به دلالت لفظی آیات قرآن است و از مسائلی که منجر به تطبیق و تأویل می‌گردد و محلی برای دخالت انگیزه‌ها و ذوقیات است جدا پرهیز دارد. مؤلف، با تسلطی که بر ادبیات عرب دارد کیفیت استعمال‌ها و دلالت‌های آن را خوب می‌شناسد و در همه جا وضع لغوی و حدود دلالت و موازین لغت را مراعات می‌کند، مؤلف می‌گوید:

... و اگر خدا توفیق دهد و امام عصر مددی فرماید تصمیم داریم در این تفسیر آیاتی را که ظاهر الدلاله است به همان ظاهر اکتفا نمایم و با رعایت اخبار وارده بر خلاف ظواهر و کلمات بزرگان از محققین و دانشمندان خبره فن، و اگر ظاهر الدلاله نباشد هر گاه خبر معتبری در تفسیر و تأویل و بیان آن یافتیم آن خبر را متذکر شده و تشریح نمایم و هر گاه خبر معتبری نیافتیم علمش را به اهلش محول کنم، در صورت اخیر اگر چیزی در بیان آیه گفته شود مجرد احتمال است و قصد به مراد و مقصود، منظور نیست.

۶. برخورد با مفسران

آنچه را که مفسران در ذیل آیات آورده‌اند، بعضاً بدون اظهار نظر و اکثراً با مقایسه و سنجش نقل کرده است، البته در مواردی که نظر مفسران اختلاف دارد، به ارایه نظرات دیگران اکتفا نمی‌کند بلکه به سنجش آنها پرداخته و اگر خود بیانی مستقل داشته باشد بدان می‌افزاید.

اینک به برخی موارد که عنوان سنجش و ترجیح و انتخاب دارد اشاره می‌کنیم:

در تفسیر آیه «ان هؤلاء ليقولون» مفسران گفتند این کلام ابوجهل است... می‌فرماید: این باطل است زیرا با کلمه (هؤلاء) مناسبت ندارد و اشاره به جماعت است.

در آیه «أَنْ يُؤْتُوا أَوْلَى الْقُرْبَى» مفسران گفتند (ان لا یؤتوا) بوده، کلمه لا حذف شده و جواب (و لا یأتل) است.

می‌فرماید: لکن جواب آن محذوف است، به دلالت جمله و (ان یؤتوا) یعنی باید و واجب است اینکه به اولی القربی عطا کنند.

«وَسَيَبْحِ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ» در این آیه، اقوال زیادی گفتند که بالغ بر هفت قول است: قیام لیل برای تهجد. از نوم غیلوله برای صلوه ظهر. بر صلوات مفرد... از مجالس که گفتند کفار هر مجلسی ذکر است. بر صلوه فجر. بر کلیه صلوات. بر نافله فجر. اقول: تمام این اقوال بدون مدرک است و تفسیر به رأی است. کلمه «حین تقوم» مطلق است شامل هر قیامی می‌شود.

مفسران در مدت مکث حضرت یونس ۷ در بطن ماهی اختلاف کرده‌اند، بعضی گفته‌اند ۷ روز، بعضی ۲۰ روز، بعضی ۴۰ روز و تمام اینها بی مدرک است و در خبر از حضرت باقر ۷ است که فرمود: سه روز.

در «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ» مرجع ضمیر فاعلی همان شدید القوی است و مفسرین اینجا به دست و پا افتاده‌اند گفتند.

در آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْكُدْ» بعضی گفتند مراد نماز مغرب و عشاء است، بعضی گفتند نماز شب است که بر پیامبر واجب بوده است. اقول: بعید نیست مراد مطلق عبادات باشد و...

در آیه «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» بعضی گفتند: مراد، قرآن است، بعضی گفتند مراد، ستاره ثریا است، بعضی گفتند مراد، مطلق نجوم است، بعضی گفتند مراد، شهاب است. اقول: آنچه به نظر می‌رسد مراد جنس نجم است نه نجم مخصوص.

مؤلف صراحتاً در مواردی چند متذکر شده که مراجعه به آراء مفسران درست نیست و در تفسیر قرآن باید به فرمایشات پیامبر و مبینان قرآن مراجعه کرد.

۷. تفسیر قرآن به قرآن

مفسر گرانقدر، در تفسیر آیات، به آیات دیگر نظر دارد و در مواردی از آیات قرآن بهره گرفته است از باب نمونه در آیه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ...» می‌گوید آیات و اخبار در فضیلت پسر و احسان به پدر و مادر و ... دلالت دارد، سپس آیات مربوطه را برای تفسیر می‌آورد.

در آیه «وَالطُّورِ * وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ...» می‌فرماید: ... کوه مخصوص و آن طور سینا که خداوند با موسی تکلم فرمود و در آیه شریفه که وادی مقدس است می‌فرماید: «إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» و وادی ایمن است که می‌فرماید: «فَلَمَّا أَنهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ»

الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ» و می‌فرماید: «وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ»

در آیه «كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ» می‌فرماید:

همین نحو به میراث دادیم تمام آنها را به قوم دیگر که بنی اسرائیل باشند چنانچه می‌فرماید: «كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» و ... لذا مؤمنین بهشت می‌روند فقط بفضل است استحقاقی ندارند که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» مؤلف به تفسیر قرآن به قرآن اهتمام زیادی دارد و می‌توان گفت بعد از اخبار و روایات، به آیات رو می‌آورد و در تفسیر آیات، بعد از آن که مسایل گوناگونی را مطرح می‌کند، اگر آیاتی برای تایید مطلب باشد آورده می‌شود، اگرچه معتقد است که آیات قرآن اخبار را تایید می‌کنند.

۸. احکام شرعی

احکام شرعی را شرح و بسط می‌دهد و اقوال مختلف را در هر باب به صورت فتوایی نقل می‌کند. آن جا که اختلاف نظری باشد می‌سنجد و جرح و تعدیل می‌کند و نظری می‌دهد و جهت برتری یک فتوی را بر دیگری بیان می‌کند. اما در همه موارد به نظر شیعه اکتفا کرده و نظر دیگران را به ندرت ذکر می‌کند.

تفسیر اطبیب البیان از بحث احکام شرعی و مسایل فقهی بر سایر تفاسیر مزیتی دارد، هر جا که مناسبتی جهت بیان اصلی از اصول و حکمی از احکام فقه پیدا شود حق مطلب را ادا می‌کند.

از این جهت، حتی مجمع البیان و تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی و نمونه، به پای آن نمی‌رسند. اگر چه مرحوم طیب قصد ندارد همه احکام را مشروحا توضیح دهد، چنانکه خود می‌فرماید: ... ما ناچاریم که در ضمن تفسیر به یک یک آنها (احکام) شرح مقدار لازم دهیم و تفصیل آن را حواله به کتب فقهی دهیم.

اطبیب البیان در تفسیر آیه «و یقیمون الصلوٰة...» ۶۰ صفحه توضیح داده از معنای اقامه، صلوٰة، فضیلت و اهمیت صلوٰة، و روایات متعددی در رابطه با حقیقت نماز، شرایط نماز، اجزای نماز، اقوال نماز، قرائت، معنی تشهد، معنی لا اله الا الله ارایه داده و تمام زوایای مطلب را روشن کرده است، در صورتی که مجمع البیان، نزدیک یک صفحه، به اختصار بیان کرده و تنها معنی مختصری از صلوٰة، شان نزول و قرائت ارایه داده است.

تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی هم نزدیک نیم صفحه به این موضوع اختصاص داده است: معنی صلوٰة و استشهاد به چند شعر و معنی آن در شرع و اینکه مراد از صلوٰة، نماز پنجگانه است.

تفسیر نمونه فقط به معنی تحت اللفظی و یک مطلب یک صفحه‌ای تحت عنوان (ارتباط با خدا- اقامه نماز) پرداخته است.

۹. اختلاف قرائات

به اختلاف قرائات توجهی ندارد و صریحا می‌گوید: بنابر آنچه ذکر شد ادله مشهور بر اثبات حجیت قرائات هفتگانه، هیچ قابل اعتماد نیست و تنها سیاهی قرآن که از زمان نبی ۶ تا این زمان به نحو تواتر به ما رسیده معتبر است و با شش دلیل قاطع اختلاف قرائات را رد می‌کند.

از باب نمونه، در ذیل آیه (انّ المصدقین و المصدقات) می‌فرماید: بعضی قراء بدون تشدید قرائت کردند به معنی تصدیق کنندگان که مرادف با ایمان است، لیکن مکرر گفته‌ایم که معتبر همان سیاهی قرآن است و همین تواتر است و مدرکی بر صحت قرائت قراء برخلاف آن نداریم.

حتی خبری را که از طریق شیعه از ائمه هدی رسیده که فرمودند: اقرؤا القرآن کما یقرء الناس و ادعا کرده‌اند که مراد از ناس در

این خبر قراء سبعة است این ادعا هم بدون دلیل و باطل است.

تفسیر جامع (حاج سید ابراهیم بروجردی)، از جمله تفاسیری است که با اطیب البیان در این مورد هماهنگ است.

۱۰. مباحث کلامی

مباحث کلامی را مفصل طرح می‌کند و خود در هر قسمت مستدلا نظر می‌دهد و به دلایل عقلی و نقلی آن را اثبات می‌نماید و پس از آن نظر معصومین: را هم ذکر می‌کند و مثل سایر موارد تنها روش شیعه را منظور نظر قرار می‌دهد و بعضا هم طالبین را به کتاب پرارزش خود، به نام «کلم الطیب» که مباحث جالبی در اصول عقاید به صورت مبرهن و مستدل دارد ارجاع می‌دهد و از اطاله کلام می‌پرهیزد.

از تفاسیری که در خصوص مباحث کلامی، داد سخن داده‌اند می‌توان تفاسیر ذیل را نام برد: تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین (ملا فتح الله کاشانی) فارسی، الدر النظیم خاقانی (محمد رضا ابن محمد امین همدانی) فارسی، تفسیر المیزان (علامه سید محمد حسین طباطبائی) عربی.

با توجه به حساسیتی که مؤلف در مسایل کلامی داشته‌اند، دار التبلیغ اسلامی را با همکاری علماء اصفهان در مقابل هجوم تبلیغاتی مسیحیان تاسیس کرده‌اند و دست به تألیف کتاب «کلم الطیب» زده‌اند تا بتواند جوابی باشد در برابر شبهات و...

این گونه مباحث را هم مفصل توضیح می‌دهد که یک نمونه را در مقایسه با تفاسیر دیگر ارایه می‌دهیم: در ذیل آیه «وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»، مجمع البیان صرفا بحث اجمالی لغوی کرده است. و تفسیر ابو الفتوح رازی در این رابطه می‌گوید: «ایشان را عذابی بود بزرگ در دنیا و کشتن و اسیر گرفتن و در آخرت به دوزخ و عذاب استمرار الم بود بر معذب و عذوبه آب برای روندگی او بود، در حلق و سر زبان را عذبه بر این خوانند بر سخن گفتن مستمر بود و عظیم در اصل بزرگی شخص بود پس در عظم شان به کار دارند.» و تفسیر نمونه هم فقط ترجمه تحت اللفظی کرده است. تفسیر نمونه، ذیل آیه

این در حالی است که اطیب البیان معنای لغوی عذاب را مفصلا بیان کرده و سپس اصل عذاب و خلود را ثابت نموده و نزدیک ۴۰ آیه از قرآن درباره عذاب آورده و ترجمه و شرح کرده است. بعد به سراغ اخبار و روایات رفته، و شواهدی می‌آورد. سپس دلیل عقل بر اثبات عذاب و دلیل اجماع و نظریات منکرین عذاب و خلود را آورده و تحت عنوان سؤال و جواب، به گونه مبسوط جواب داده است که مجموعا به ۲۰ صفحه می‌رسد.

۱۱. لغت و اشتقاق

اشاره

به لغت و اشتقاق و غیر آن هم غالبا می‌پردازد، اما نه مثل تفسیر مجمع البیان، زیرا در تفسیر مجمع البیان، جانب علمی مانند: لغت، نحو، تصریف و اشتقاق، رجحانی دارد و در این امور موشکافی‌های دقیق به عمل آمده است. تفسیر اطیب البیان از این نظر به پای مجمع نمی‌رسد.

تفسیر مجمع البیان یک تفسیر درسی است، به خلاف اطیب که یک تفسیر همه جانبه است و عامه مردم از آن کما بیش بهره می‌گیرند، نثر روان و ساده‌ای دارد. همچون دریایی موج که هر کس می‌تواند بدون سر و صدا به فراخور حالش از آن آب بردارد. علت هم معلوم است، مرحوم طیب یک واعظ منبری بوده و با این روش مانوس است و تفسیری برای همه افراد جامعه حتی کم سواد نوشته، و پیچیدگی در کلماتش مشاهده نمی‌شود، با این حال هر جا که مناسبت داشته باشد، به معنای لغات می‌پردازد

برخی از موارد لغت و اشتقاق

۱. ایمان

در لغت به چند معنا استعمال شده است.

۲. شیطان یا مأخوذ

از شطن و یاء آن زاید است بر وزن فیعال... و یا مأخوذ از شاط و الف و نون آن زاید است...

۳. (فلا اقسام) بعضی گفتند

۳ لا زاید است... لکن گفتیم کلمه زایده در قرآن نیست... بعضی گفتند جزء قسم است.

۴. کلمه احمد افضل التفضیل است و دو معنی کرده‌اند

به معنی اسم فاعلی و به معنی مفعولی.

۵. الف و لام حسنه (من جاء بالحسنه)

الف و لام جنس است شامل جمیع حسنات می‌شود.

۱۲. قصص

در بیان قصص قرآن، غالباً نقل تفاسیر دیگر را ملاک قرار داده و در مواردی ذکر مأخذ نیز کرده است. البته قصص را تا آنجایی که از روایات و اخبار استفاده می‌شود آورده و از ما بقی صرف نظر می‌کند و به اندازه کافی هم تفصیل می‌دهد. برای تتمیم و تکمیل بعضی از قصص، به کتب دیگر هم مراجعه و از منابع اصلی استفاده می‌نماید و اگر در دیگر آثارش بیان کرده باشد بدانجا اشاره می‌دهد، برای مثال: و ما در جمله اول کلم الطیب در بحث نبوت موسی و عیسی شرح حال بنی اسرائیل را از کتب عهد قدیم و جدید آنها بیان کرده‌ایم.

و یا در همان کلم الطیب ما حال حواریین را از کتب خود نصاری، مفصلاً بیان کرده‌ایم.

سایر قصه‌های قرآنی را نیز به تناسب آیات، در جای‌های مختلف تفسیر به تفصیل آورده است. از جمله در جلد ۶ و ۱۳.

۱۳. حکایات و تمثیلات

حکایات را به اندازه کافی تفصیل می‌دهد ولی مأخذ آنها را نقل نمی‌کند و غالباً از حکایات مذهبی استفاده می‌نماید: (ج ۲، ص ۵۲)، (ج ۲، ص ۱۸۹).

از تمثیلات و اصطلاحات عامیانه نیز در جای‌جای تفسیر بهره برده است: (ج ۱۲، ص ۵ و ۲۵)، (ج ۱۳، ص ۲۴۸).

۱۴. رجال

رجال یاد شده در این تفسیر همه مورد اعتماد شیعه است و به غیر کاری ندارد و حتی مراجعه به تفاسیر عامه را جایز نمی‌داند،

همان، مقدمه جلد اول، ص ۲۳ از باب نمونه: ابن بابویه، ابی صلت هروی، جابر ابن عبد الله انصاری، داود ابن کثیر، ابن کیسان، علی بن ابراهیم، جابر جعفی، سفیان سوری، حمران بن اعین، حضرت عبد العظیم، ابن عباس، ابن شهر آشوب، شیخ صدوق، ابو حمزه ثمالی، حماد بن عثمان، و ده‌ها رجال دیگر که ذکر نام آنان، به درازا خواهد انجامید.

۱۵. مسایل اخلاقی

مؤلف به مسایل اخلاقی توجه فراوانی دارد و به هر بهانه‌ای آنها را طرح می‌کند و بعضا احساس می‌شود که از کتاب تفسیر خارج شده و به یک کتاب اخلاقی نزدیک‌تر است. در موارد زیادی، واقعا بجا و مناسب و گاهگاهی هم سخن به درازا کشیده شده که جای آن در تفسیر نیست و باید در کتب اخلاقی بررسی شود. برای مثال در تفسیر آیه: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ» بعد از آنکه معنی مخادعه و دفع اشکالات بر آیه و مراتب مخادعه را مطرح می‌کند، می‌گوید: که این منافقان با مؤمنان نیز مخادعه می‌کنند و مخادعه با مؤمنین اینست که در ظاهر ابراز برادری و همکاری و مساعدت و دوستی و محبت می‌نمایند ولی در باطن در مقام ایذاء و ظلم و... با آنها بر می‌آیند.

و اضافه می‌کند که: ما در این جا جامع صفات نفاق و دورویی را متذکر می‌شویم. و موضوعات مستقل و مفصلی را تحت عناوین دورویی، دو زبانی، ایذاء، ظلم، تحقیر، اهانت، طلب عثرات مؤمنین و تفتیش از عیوب آنان، سرزنش، غیبت، بهتان، نَمّامی، سوء ظن، ترک نصیحت مؤمنین، ترک اعانت کردن مؤمنین، عداوت مؤمن و... همراه با آیات مربوطه متجاوز از ۶۰ صفحه توضیح و شرح می‌دهد.

۱۶. شعر

گاهی شعر و نثری برای تلطیف ذوق آورده و استشهادات شعری به عربی نیز دارد. از شاعران نامی مثل: مولوی، حافظ، نظامی، سعدی، فردوسی، خیام، خواجه عبد الله انصاری و ... بهره جسته است. مفسر گرامی، به دیوان‌های عربی نیز توجه داشته و از آنها بهره برده است. همچون: دیوان منسوب به امیرالمؤمنین ۷، منظومه حاج ملاهادی سبزواری، دیوان فرزندق و...

۱۷. استدلال و احتجاج

از نظر استدلالی و احتجاجی، گاه ملاحظه می‌شود که نظر دیگری را طرح و رد کرده است، آن هم در مواقعی که موضوع اهمیت خاصی دارد.

درباره شب قدر، بعد از نقل قولهایی از شیعه و سنی، می‌گوید: عقیده ما شب بیست و سوم است.

درباره شفاعت هم استدلالی بحث کرده است و به مسایل مربوط به آن به گونه مبسوط پرداخته است.

مسأله جبر و اختیار که یک بحث جنجالی است، شرح و بسط داده و جوانب قضیه را روشن کرده و در نهایت نظر مختار را اثبات می‌نماید. احتجاجات فراوانی در خصوص انبیاء با اهل سنت دارد.

گاه اشکالاتی را که در ضمن توجه به آیات پیش می‌آید و برای ذهن معمول انسانی تولید شکوکی می‌کند، به طرح اشکالات و بسط و تحلیل آنها می‌پردازد و با دلایل عقلی و نقلی به پاسخگویی آن اقدام می‌کند.

۱۸. جانبداری از شیعه

این تفسیر بر اساس مکتب تشیع نوشته شده و از نظر شیعه بسیار جانبداری می‌شود و براهین زیادی بر رد نظریات مخالفان تشیع و رفع شبهات وارده و اثبات مذهب امامیه دارد. مباحث زیادی از اختلاف فریقین طرح می‌نماید که بعضاً جنبه استدلالی و احتجاجی دارد، برای نمونه: ضرورت مذهب امامیه این است که سحر در انبیاء و ائمه اثر نمی‌کند، بر خلاف مذهب عامه که بخاری و مسلم روایت کرده‌اند که سحر در او اثر کرد. و نمونه‌های فراوان دیگر که به تفصیل بحث کرده است.

۱۹. مباحث فلسفی

اندکی مباحث فلسفی، در این تفسیر به چشم می‌خورد، اما منظور اصلی مفسر نیست و در ضمن مباحث، استشهادات زیادی، به منظومه ملاهادی سبزواری دارد. در مواردی هم کلام حکما را طرح، و جرح و تعدیل می‌کند.

۲۰. اخبار و روایات

مؤلف برای بیان و اثبات منظور خویش از تمامی اخبار و احادیث اهل بیت: استفاده می‌کند و به جرأت می‌توان گفت این تفسیر، تنها براساس اخبار و احادیث منقول از اهل بیت: نهاده شده است. از سلسله روایات و رجال آن زیاد یاد نمی‌کند ولی همه را از طریقی می‌گیرد که رجال آن مورد اعتماد شیعه‌اند.

بنابراین مأخذ این تفسیر همه کتب معتبر روایی و حدیثی شیعه است، در عین حال به تفسیر قرآن به قرآن خیلی عنایت دارد. آنچه از خود می‌گوید، تحت عنوان: تحقیق این است که...، و در مواردی هم نظر مختار را تحت عنوان اقول، مستدل بیان می‌کند. مؤلف در وجه تسمیه تفسیر به اطیب البیان می‌گوید:

و چون در تفسیر آیات قرآن از احادیث و بیانات خاندان نبوت و معادن علم و حکمت حضرت احدیت استفاده نمودم و حقا که بیانات ایشان بهترین و پاکیزه‌ترین بیانات در تفسیر قرآن بوده و این جامه تنها به قامت اینان راست آمده لذا این کتاب را اطیب البیان فی تفسیر القرآن نامیدم.

و در جای دیگر می‌گوید: در تفسیر قرآن باید به فرمایشات پیغمبر و مبینان قرآن (که طبق حدیث ثقلین و احادیث قطعی دیگر عترت پیغمبر یعنی ائمه اثنا عشر می‌باشند) مراجعه کرد.

مؤلف به احادیثی که مستند نباشد توجهی ندارد، چنانکه خود می‌گوید: اخبار زیادی از خواص القرآن از پیامبر و از حضرت باقر ۷ نقل کرده‌اند، صرف نظر کرده‌ایم چون سند نداشت.

در مواردی که اختلاف نظر پیش می‌آید، نظر مستند به معصومین: را انتخاب می‌کند. از باب نمونه نک: به: ۱۲ / ۴۸، ۱۳ / ۱۶۷، ۱۱ / ۱۹۴ و..

و بعضاً روایاتی از اهل سنت نقل می‌کند ولی هدفش رد آنهاست و به خود کتابهای اهل سنت اشاره دارد، برای مثال درباره روایت (اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتهم) که از اهل سنت روایت است که اصحاب پیامبر، همه عدول بوده‌اند، این روایت را به شش وجه مردود می‌شمارد و برای اثبات نظر خود به صحیح بخاری و مسند احمد بن حنبل، استشهاد می‌کند.

و نهایتاً می‌گوید: بر فرض صحت حدیث، منع می‌کنم صدق اصحاب را بر کسانی که مسلک علی ۷ را نپیموده‌اند، زیرا طبق حدیث مسلم که از ام سلمه روایت شده که رسول خدا ۶ به عمار فرمود: «یا بن سمیمه، لا تقتلک اصحابی لکن تقتلک الفئه الباغیه» و این حدیث بقدری معروف بود که معاویه و عمر و عاص نتوانستند انکار کنند، پیامبر مخالفین علی ۷ را از زمره اصحاب خود خارج کرد.

به طور خلاصه طرز فکر مفسر بزرگوار، بر اساس اخبار صحیح و درک اعتقادی وی از اسلام می‌باشد، چنانکه خود فرموده است:

مدرک اخبار اهل بیت نزد شیعه که حاوی اخبار است، کتب اربعه متقدمین: کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار و کتب اربعه متاخرین: وافی، بحار و مرآت العقول و سایر کتب اخبار.

تنبیه: این علما اخبار، تمام هم آنها بر جمع آوری اخبار بوده که از اصول اربعمائه اصحاب ائمه اخذ کرده و مبوب فرموده‌اند، و اما تمیز بین صحیح و موثق و مرسل و مقطوع و ضعیف در عهده مجتهدین خود و علماء شیعه را بدانید که چه اندازه زحمت کشیده و اینها را در دسترس شیعه قرار داده و چه اندازه عمر عزیز خود را صرف این قسمتها نموده. شکر الله سعیهم...

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

